موضوع: بررسی نظریه مسیر پیامبری

پاسخ چند اشکال در مورد گزینش الهی در پیامبری

در گفتار قبل دلیل عقلی بر وجوب نبوت و پیامبری به معنایی که پیش از این بیان شد تبیین گردید. پیامبری همان چیزی است که در دیدگاه رایج میان پیروان ادیان آسمانی مطرح است و آن اینکه خدای متعال برای هدایت انسان ها افرادی که از شایستگی ویژه ای برخوردار بودند برانگیخته و به سوی انسان ها فرستاده است. استدلال بر ضرورت ارسال نبی نیز بیان شد و گفته شد این استدلال بعد از مبانی منطقی، معرفت شناسی و هستی شناسی، دارای دو رکن است: انسان شناسی و خداشناسی. توضیح اینکه که انسان دارای قدرت درک و فهم است و برای رسیدن به رشد و تکامل باید راه را بشناسد. انسان از طریق عقل خویش می تواند به برخی از شناخت ها دست یابد اما شناخت کامل برای او ممکن نیست. بنابراین انسان برای رسیدن به معرفت کامل و تعالی نیازمند راهنمایی است. از سوی دیگر شناخت ما نسبت به خداوند این است که او خالق و پروردگار انسان و دارای صفات جمال و جلال است. او عالم است و جاهل نیست؛ حکیم است و کار خلاف حکمت انجام نمی دهد؛ نسبت به مخلوقات خویش رحیم و مهربان است. روشن است که چنین موجودی نسبت به انسان که نیازمند شناخت و معرفت است، اقدام کرده تا نیاز او را برطرف کند تا راه کمال را به صورت مطلوب و کامل بیابد. این همان کلام امام کاظم (ع) است که حجت درونی برای انسان کافی نیست و نیازمند حجت بیرونی یا همان انبیاء است.

اشکال

به این استدلال اشکال شده که اگر بر خداوند واجب است که پیامبرانی را برای هدایت انسان بفرستد، لازم است پیام آنان به گونه ای دقیق و خدشه ناپذیر حفظ شده و به آیندگان برسد. این پیام در هر زمان و مکانی باید اطمینان بندگان را جلب کند، این در حالی است که پیام های منتصب به هیچ کدام از پیامبران نیست که اطمینان و اعتماد همگان را خود جلب کرده باشد.

پاسخ

بله ما هم قبول داریم که پیام پیامبران الهی باید حفظ شده و به آیندگان برسد. به خاطر همین مطلب است که اصل عصمت علمیه و عملیه پیامبران و اوصیاء آنان مطرح گردیده است. یکی از ادله عصمت امام هم که جانشین پیامبر است، نیز برهان حفظ شریعت است. اما این سخن که گفته است حفظ و نقل پیامبراین الهی باید به گونه ای باشد که اطمینان و اعتماد همگان را جلب کند، نیازمند تامل است. اگر مقصود این است که پیام های الهی از نظر استواری و استحکام شانیت این را داشته باشند که پذیرش آن را برای کسانی که به درستی در آنها تفکر می کنند ممکن گرداند، این سخن درستی است. اما اگر مقصود این است که بدون در نظر گرفتن شرایط و موانع ایمانی، اطمینان همگان را جلب کند، سخن نادرستی است. بازگشت این سخن به آن است که هر مطلب حقی را اگر بخواهیم حقانیت آن را تشخیص دهیم، مشروط به این است که همگان آن را بپذیرند و قبول کنند، در حالی که این مطلب در هیچ یک از مسائل معرفتی بشری چه در زمینه تاریخ و چه شناخت جهان و انسان، وجود ندارد. حتی در قضایای بدیهی نیز گاهی افرادی دچار شک و تردید شده اند. اکنون آیا می توان گفت شک و تردید آنها که در مورد بدیهیات، نشانه مخدوش بودن بدیهیات است؟ اجماع به هیچ وقت شرط معرفت شناختی برای درستی یک گزاره نیست. اگر چنین باشد خود نویسنده کتاب مسیر پیامبری در مورد هیچ یک از اصول نمی تواند این شرط را برآورده سازد و باید در مورد آنها باید قائل به تردید باشد. مثلا اصل وجود خداوند و ... که در آنها اختلافاتی وجود دارد. حتی اصل نظریه وی نیز مخدوش می شود زیرا نظریه او نیز مورد وفاق نیست.

بنابراین ما می توانیم در باره حفظ پیام های پیامبران و رسیدن آنها به آیندگان بر اساس دیدگاه رایج معرفتی علم پیدا کنیم و وجود اختلاف در این باره زیان آور نیست و به عنوان یک آسیب معرفت شناختی به شمار نمی رود.

اشکال

ممکن است کسی بگوید ما در مورد پیام های برخی پیامبران الهی علم داریم که سخن آنان حفظ نشده است (علم به عدم داریم) مانند کتاب های آسمانی تورات و انجیل که شواهد و قرائن در تحریف آنها فراوان است، تا جایی که عده ای از عالمان مسیحی و یهودی نیز اذعان به آن دارند.

پاسخ

بحث ما در مورد پیامهایی است که توسط آخرین پیامبر الهی به بشر ابلاغ شده است و تغییر و تحریف در مورد پیامبران پیشین خدشه ای به دوران پیامبر خاتم نمی زند. قرآن کریم هم مصدق و هم مهیمن کتاب های آسمانی پیشین است: «وَ أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتابِ وَ مُهَيْمِناً عَلَيْه‏»[[1]](#footnote-1): ما اين كتاب [ قرآن ] را به‏درستى به سوى تو نازل كرديم در حالى كه تصديق كننده كتاب‏هاى پيش از خود و گواه صادق بر [ حقّانيّت همه ] آنان است. قرآن کریم هم مطالب کتاب های پیشین را حفظ کرده و هم مراقب آنها بوده است.

اشکال

در کتاب مسیر پیامبری در مورد قرآن اشکالی مطرح شده و گفته شده: با توجه به ابتدایی بودن ادوات نگارش در میان نخستین مسلمانان نمی توان گفت که نگارش و جمع آوری آیات به صورت کامل و خدشه ناپذیر انجام گرفته است. هر چند که تاریخ از سعی و اشتیاق وافر مسلمانان نسبت به نگارش و جمع آوری و حفظ آیات سخن گفته است، اما افراد با سواد در میان آنان فراوان نبوده و رسم الخط واحدی هم وجود نداشته است. البته به طور کلی درباره قرآن می توان گفت که نسبت به تورات و انجیل از اصالت بیشتری برخوردار است.[[2]](#footnote-2)

پاسخ

ابتدایی بودن لوازم و ابزارهای نگارش مانع عقلی یا عادی برای نگارش و ضبط آیات قرآن به صورت کامل به شمار نمی رود، البته کار را سخت می کند. خود نویسنده کتاب هم بیشترین اعتماد را به منابع تاریخی دارند در حالی که نگارش آغازین آنها بسیار ابتدایی بوده است.

چگونه در آنها شما به اینها اعتماد می کنید اما در اینجا به ابتدایی بودن ابزار نگارش اشکال می کنید؟ علاوه بر اینکه در میان کاتبان وحی افرادی همچون امیرالمومنین (ع) بودند که از هوش و حافظه بالا و اشتیاق بسیار در حفظ قرآن کریم برخوردار بودند. همچنین این مطلب که مسلمانان فوق العاده اشتیاق در حفظ قرآن داشتند، پیوسته مورد توجه متفکران بوده است و بر آن به عنوان دلیلی بر مصونیت قرآن از کاهش و افزایش تاکید کرده اند. از جمله سید مرتضی در این باره می گوید: «أن العناية اشتدت بالقرآن و الدواعي توفرت على نقله و حراسته و بلغت الى حدّ لم يبلغه في نقل الحوادث و الوقائع‏».[[3]](#footnote-3) مضافا بر اینکه قرآن کریم تصریح کرده است که خدای متعال حفظ قرآن را به عهده گرفته است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُون‏».[[4]](#footnote-4) همچنین حدیث ثقلین هم حفظ قرآن را تا قیامت بیان می کند و هم به نقش عترت در فهم کتاب و سنت اشاره شده است. این حدیث از احادیث متواتر است و در اعتبار آن سخنی نیست. [[5]](#footnote-5)

ادامه بحث را در جلسه آینده دنبال کنید.

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. سوره مائده، آیه 48 [↑](#footnote-ref-1)
2. مسیر پیامبری، ص 110- 11 [↑](#footnote-ref-2)
3. الذخیره، سید مرتضی، ص 362 [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره حجر، آیه 9 [↑](#footnote-ref-4)
5. ر.ک: امامت اهل بیت (ع) از دیدگاه قرآن و روایات [↑](#footnote-ref-5)